

بلغارها از گذشته خودرنگشایی کردند

وقایع نگاری یک خیانت تاریخی

سینمای بلغارستان با تولید درامی تاریخی سراغ فصلی داغ از دوران سیاسی خودرفته وداستان زندگی یکی از انقلابیون قرن نوزدهمی خود را به فیلمی سینمایی تبدیل کرده است. «وقایع نگاری یک خیانت» قرار است داستسان زندگی

برفرازونشپب گیورگی بَنکُوسکی، انقلابی سرشناس قرن گذشته این کشور اروپای شرقی را در معرض دید مخاطبان داخلی وبین‌المللی بگذارد.

این درام دوره تاریخی را گیورگی دجولگروف کارگردانی می‌کند. منتقدان سینمایی بلغارستان می‌گویند این فیلمساز علاقه وافری به تاریخ کشورش دارد و می‌گویند فیلم‌های سینمایی باید به رمزگشایی از تاریخ گذشته بلغارستان پرداخته و تماشاگران را با فرازونشپب‌های این تاریخ آشنا کنند.

داستان وقایع نگاری یک خیانت به مبارزات بَنکُوسکی علیه سلطه عثمانی بر کشور بلغارستان می‌پردازد. دجولگروف در رابطه با کار تاراه‌اش می‌گوید: «عمیقاً دوستدار کتاب تاریخی و خوانندگی زاهاری استویانوف دربارۀ بَنکُوسکی هستم و احساس می‌کنم او در کتاب خود تمام حرف‌ها را زده و چیزی برای باژگو کردن دوباره باقی نگذاشته است. از کتاب او دو بخش مهم را انتخاب کردم که در فیلم در معرض دید تماشاگران علاقه‌مند قرار می‌گیرد؛ یکی ترور بَنکُوسکی در سال ۱۸۷۶ و دومی ملاقات با او یکی از همکاران خائنش به نام گراندیا والیو. برعکس نام فیلم، مضمون آن در رابطه با بخشش و گذشت است.»

درفکرپخش جهانی

کارفیلمبرداری وقایع نگاری یک خیانت طی ۳۱ روزانجام شد و شهر تاریخی کوپریوشتیسناس مکان اصلی فیلمبرداری آن بوده است. سازندگان فیلم امیدوارند پخش جهانی آن کمک کند تا این شهر به‌صورت یک جاذبه تاریخی و توریستی برای مردم کشورهای منطقه درآید.

تولیزویون ملی بلغارستان سرمایه‌گذار اصلی وقایع نگاری یک حنایت است که مبلغی حدود ۴۰۰هزار دلار صرف تولید آن کرده و قرار است در کنار نسخه سینمایی، یک مینی سریال چهار قسمتی هم از این فیلم تدوین شده و شش ماه بعد از اکران عمومی نسخه سینمایی ازتولیزویون ملی کشورپخش شود.

منتقدان سینمایی که دجولگروف را یکی از فیلمسازان نوجوی بلغارستان معرفی می‌کنند، عقیده دارند مهم‌ترین اثرتاریخی او تا به امروز تریلوزی «وزن برای وزن» اوست که سال ۱۹۸۱ تولید و به نمایش عمومی درآمد. بسیاری از اهل فن در این کشور اروپای شرقی از این سه گانه به‌عنوان بزرگ‌ترین فیلم‌هایی اسم می‌برند که در کل تاریخ سینمای کشور تولید شده است. آنها امیدوارند وقایع نگاری یک خیانت بتواند موفقیت کلان انتقادی و مالی این تریلوزی را تکرار کند./ وراتی



تحلیل

سلب‌ریتی‌ها ارتباط واقعی با مردم ندارند

هادی حاجتمند، کارگردان فیلم اشنوگل گفت: مشکلی که فاصله بین افراد چهره و مردم است یک دلیل ریاضی دارد و آن این است که این افراد در صفحات مجازی خودتنهاافرادی باتفکرات مشابه

رادنبال می‌کنند واینستارگرام هم جهانی به همان شکل را به آنها نشان می‌دهد. این باعث می‌شد تا نظر این افراد با مردم یکی نباشد؛ درست مثل مورچه‌ای که آب لاله‌اش را می‌گیرد و می‌گوید همه دنیا را آب برد. وی افزود؛ به‌نظرم هنرمندان باید ارتباط خود را با سطح مردم بیشترکنند چراکه این شکل ارتباطی باعث می‌شود تا یک هنرمندیک جمعیت میلیونی را هنرمند ندانند ولی تعداد محدودی معترض را می‌توان اکثریت مردم معرفی کرد. وی تصریح کرد؛ با افرادی مواجه هستیم که مطالعه کمی دارند و به دایببی های فضای مجازی اکتفا می‌کنند. توصیه می‌کنم به سلب‌ریتی‌ها که ارتباط خود با مردم را افزایش دهند و با دیدن اکثریت مردم، تفکرات مقابل خود را نیز ببینند./ فارس

لیاقت الگو بودن ندارند

مهدی غلطیمی میرآبادی، تهیه‌کننده سینما گفت: افرادی هنگام پهن بودن سفره کشور و درآمد داشتن از آن حضور فعال دارند و روزهایی که همان کشور و مردمش برای آرامش به آنها نیاز دارند شانه خالی می‌کنند و نعتنها اظهارنظر نمی‌کنند بلکه مقابل مردم قرار می‌گیرند ولیاقت الگو بودن برای جامعه را ندارند.



افتضاح در سینمای فرانسه

دومنیک بوتونات، رئیس مرکز ملی سینمای فرانسه به اتهام تجاوز جنسی محاکمه می‌شود. وی که یکی از قدرتمندترین چهره‌های سینمای فرانسه است، توسط سپرخوانده ۲۲ ساله‌اش متهم به تجاوز جنسی در آگوست ۲۰۲۰ در تعطیلات خود در یونان شده است و او نخستین بار در اکتبر ۲۰۲۰ پس از شکایت، تحت بازجویی قرار گرفته است.



به بهانه فیلم «تاپ‌گان: ماوریک»

گاوچران‌ها سوار بر هواپیماهای جنگی

مکت

سفارش گرفتن از پنتاگون

قرار گرفتند که بر فراز سرشان مانور رن‌گی انجام دادند، سپس حضور ویلیام (که) پادشاه آینده انگلیس به حساب می‌آید) و همسرش کیت میدلتون، به‌طور کلی مراسم جشنواره کن برای فیلم تاپ‌گان: ماوریک را از یک مراسم سینمایی خارج ساخت و آن را نه تنها به یک مراسم سیاسی بلکه به یک مانور نظامی برای حمایت از فیلمی درباره عملیات تروریستی علیه ایران تبدیل کرد. در اوج مراسم نیز تیری فره مو (دبیر جشنواره کن) با اهدای نخل طلای این جشنواره (بالاترین و مهم‌ترین جایزه جشنواره کن) در واقع کل این فستیوال سینمایی را در خدمت همان اهداف تروریستی و مانور نظامی سه کشور اصلی ناتو یعنی آمریکا و فرانسه و انگلیس قرار داد که هر کدام با یک نماد در این مانور نظامی تروریستی شرکت کرده بودند.

ژان لوک گندار، فیلمساز مشهور موج نوی سینمای فرانسه (که دو هفته پیش درگذشت) این محته‌گردانی نظامی/تروریستی در جشنواره کن امسال را چنین تشریح کرد: «... با محنه‌سازی جشنواره کن از احتمال وقوع یک جنگ جهانی دیگر و خطر یک فاجعه دیگر، متوجه شدیم فستیوال کن یک ابزار تبلیغاتی است، مانند هر ابزار دیگر... آنها (جشنواره فیلم کن) زیبایی‌شناسی غربی را تبلیغ می‌کنند. حالا تصور کنید در جشنواره از جنگ به‌عنوان ابزار زیبایی‌شناسی استفاده می‌شود و سهامداران آن هم کشورهای درگیر، یا بهتر بگوییم صاحب منفعت هستند و برنامه‌هایی را پخش می‌کنند که همه ماتماشاگران آن هستیم.»

اما ماوریک به دلیل تخلفات و سرپیچی‌های متعدّدش (همان فرمول آمریکایی درباره کابوی) قرار نیست در ماموریت محرمانه تاپ‌گان شرکت کند و تنها وظیفه‌اش آموزش گروه است. ولی طرحی که ارائه می‌دهد، تنها راه نفوذ و نابودی مرکز غنی‌سازی کشور یاغی موردنظر به‌شمار می‌رود.

نشانه‌ها آشکار است

می‌توان گفت در فیلم تاپ‌گان: ماوریک، تمامی فرمول‌های معمول فیلم‌های حادثه‌ای و اکشن نعل به‌نعل رعایت شده؛ از قهرمان متخلف و بی‌بندوبار و تک‌وتنها تا عشق‌های حاشیه‌ای و بی‌خاصیت تا ضدقهرمان‌هایی که سر بزنگاه به کمک می‌آیند تا روسا و فرماندهان مخالف قهرمان را نجات‌پیدا کردن در اوج ناامیدی و در دقیقه ۹۰ و حتی در وقت اضافی ولو با ضربات پائلی و تا ...

اگر تونی اسکات فقید می‌خواست با «تاپ‌گان» خود در سال ۱۹۸۶، فرمول‌های آن زمان هالیوود را شکسته و

که توسط موشک‌های زمین به هوای اس- ۱۲۵ پیچورا و نسل پنجم سوخو- ۵۷ و البته چند فروند هواپیمای قدیمی اف- ۱۴ با «تام کت» محافظت می‌شود.

آموزش گروه تاپ‌گان برعهده کاپیتان پیت میچل با نام مستعار ماوریک (با بازی تام کروز) گذارده می‌شود که درواقع قهرمان و شخصیت اول قسمت اول «تاپ‌گان» به حساب می‌آید. در آن قسمت او با هوشمندی و (به قول یکی از مسئولین آنالیز آموزش تاپ‌گان به نام «چارلی») با تنوع خود توانسته بود هم برخی دوستانش را طی ماموریت‌های خطرناک نجات دهد و هم در درگیری با هواپیماهای دشمن (در آن زمان شوروی) آنها را مغلوب کرده و عملیات طراحی‌شده را با پیروزی به انجام برساند.

اینک کاپیتان پیت ماوریک میچل، در گروه آموزشی خود، پسر دوست و خلبان کمکی خود در قسمت اول به نام «برادشاو» با «گوس» که در یکی از ماموریت‌ها کشته شد را همراه دارد با نام «روستر» که ماوریک را مسئول قتل پدر خود می‌داند.

غارت دیگران می‌پردازتند. اما در میان همه آن گله‌های گاو و مردمان تسلیم‌شده، کسانی هم بودند این غارتگری (که بعضاً توسط امثال قاضی «روی بین»، شکل و صورت قانون هم پیدا می‌کرد) را برنمی‌تابیدند و عنوان «یاغی» و «سرکش» و «خارج از قانون» را می‌گرفتند، اعلامیه‌ای هم با زیرنویس WANTED و مبلغ درشتی جایزه نقدی برای مرده و زنده‌شان تعیین می‌گردید.

در فیلم تاپ‌گان: ماوریک هم صحبت از یک دولت سرکش و یاغی است که مشغول غنی‌سازی اورانیوم بوده و تا سه هفته بعد به بمب‌آتمی دست پیدا می‌کند! صورت‌مسأله خیلی آشناس‌ا همان جمله معروفی که تا امروز بیش از دو دهه است از سوی کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا علیه ایران می‌شنویم.

حالا گروه «تاپ‌گان» که از زنده‌ترین و نخبه‌ترین خلبان‌های آمریکا تشکیل شده باید به مرکز غنی‌سازی اورانیوم در کشور یادشده حمله برده و آن را نابود سازند. اگرچه مرکز فوق در میان دره‌ای بسیار عمیق قرار دارد

تمامیت ارضی ایران، فصل مشترک همه

حامد بهداد، بازیگر بعد از پیام‌های پرشائبه قبلی خود در جدیدترین اظهاراتش در فضای مجازی از مطالبات بر حق مردم و حفظ تمامیت ارضی کشورمان سخن گفت. وی نوشته است: حفظ تمامیت ارضی این آب و خاک، آرمان و فصل مشترک همه ماست و همین مهم مرز ما را با هر آن‌که ایران ما را تجزیه بخواهد، جدی می‌کند.



در یکی از صحنه‌های پایانی فیلم «دکتر استرنج لائو» یا «چگونه یاد گرفتیم دست از نگرانی بردارم و بمب را دوست بدارم» ساخته استنلی کوبریک فقید، وقتی فرمانده هواپیمای B-52 آمریکایی حامل بمب‌آتمی، موفق نشد توسط سیستم خودکار یا حتی بازکردن دریچه بمب، آن را پرتاب کند، خودش کلاه کابوی بر سر گذاشت، روی بمب نشست و با قطع همه سیستم‌های اتصال همراه بمب به پایین پرتاب شد، درحالی‌که گویی در حال رام‌کردن اسبی وحشی، کلاه کابوی خود را در هواتکان می‌داد، مانند همان گاوچران‌ها فریاد می‌زد: «ایییییییی هه» یا «یوووووو».

این فریادی است که در بسیاری از آثار وسترن سینمای آمریکا از زبان گاوچران‌ها شنیده‌ایم، آن‌هم در زمانی که گله‌های گاو را حرکت داده یا در حال رام‌کردن اسبان وحشی بودند.

و حالا این نوع فریاد را در فیلم «تاپ‌گان» می‌شنویم؛ هم در نسخه اول سال ۱۹۸۶ ساخته تونی اسکات و هم در نسخه اخیر جوزف کاسینسکی که پس از ۲۶سال از قسمت اول ساخته شد، وقتی خلبان‌های هواپیماهای جنگی در موقعیتی پیروزمندانۀ قرار می‌گیرند (مثلا در فیلم سال ۱۹۸۶، هنگامی که پت میچل موفق شد در درگیری هوایی، مربی و فرمانده خود را شکست دهد یا در همین فیلم ۲۰۲۲، پت میچل با همان ماوریک با یک هواپیمای جدید، سرعت ۱۰ مایخ را پشت سر گذارد) همان فریادهای «ایییییییی هه» یا «یوووووو» را شنیدیم و دیدیم مثل یکی از صحنه‌های انتهایی اولین فیلم «جنگ‌های ستاره‌ای» به نام «یک امید تازه» ساخته جورج لوکاس که در اوج تعقیب‌وگریز جنگنده‌های دارت ویدر و نیروهای تحت فرمانش با هوانورد لوک اسکای واکر که برای نابودی مرکز ستاره مرگ به سوی آن پیش می‌رفت، ناگهان هان سولو (یکی از شخصیت‌های اصلی مجموعه جنگ‌های ستاره‌ای) برای کمک سر رسید، با هدف قراردادن و نابودی یکی از جنگنده‌های دار و دسته دارت ویدر، همان فریاد گاوچرانی را سر داد که: «ایییییییی هه» یا «یوووووو».

فضیه مثل لسن آن سنگ سیاه صیفیلی خورده در فیلم «۲۰۰۱: یک ادیسه فضایی» استنلی کوبریک است که چه در مواجهه میمون‌های انسان‌نما (نسناس‌ها) و در چه در برابر انسان‌هایی که فضا را تسخیر کرده و همه زندگی‌شان توسط A.I یا Artificial Intelligence یعنی همان هوش مصنوعی می‌چرخید، یکسان به نظر می‌رسد!

حالا آمریکایی‌های گاوچران هم به فاصله چندین قرن، همچنان با همان روحیه گاوچرانی و کابویی همراه است (که به قول خان مغلفر در «هاردستان» مرحوم علی حاتمی، «آمریکایی در هر لباسی باشه یک کابوی و یک کابوی همیشه دنبال بوفالونه») چه روی گاو و اسب باشد، چه در حال راندن گله گاوها، چه در زمان پرتاب بمب‌آتمی از یک هواپیمای B-52، چه پشت هواپیماهای جنگی پیشرفته و حتی در زمان‌های دور و در مکانی بسیار دورتر (مثل فیلم‌های جنگ‌های ستاره‌ای).

محور فیلم «تاپ‌گان: ماوریک» ساخته جوزف کاسینسکی هم همین تداوم گاوچرانی و کابویی‌مسلكی آمریکایی‌هاست. کابوی‌ها یا گاوچران‌ها دارای خصوصیات مشخصی بودند، همواره ششولش یا هفت‌تیر به کمر خود می‌بستند و با زبان گلوله با دیگران حرف می‌زدند، سرمایه‌داران شان، مزارع بزرگ و گله‌های گاو داشتند و برای نگهداری آن گله‌ها، گاوچران استخدام می‌کردند که این گاوچران‌ها اغلب از راهزن‌ها و قاتلان تحت تعقیب انتخاب شده و بعضاً برای خود دار و دسته را انداخته و به قتل و



سعيد مستغاني مستندسازو کارشناس سینما

دیالوگ ماندگار

یک طعنه ظریف به آمریکا

شما نمی‌توانید اینجا دعوا کنید آقایون، اینجا اتاق جنگه!

این دیالوگ که بارنظرب جالبی دارد، از زبان رئیس‌جمهور آمریکا در فیلم «دکتر استرنج لائو» ساخته استنلی کوبریک بیان شده است. این کارگردان مشهور در این فیلم که در آن پیتر سلرز در سه نقش بازی ماندگاری کرده است، به موضوع سیاست‌های جنگ‌طلبانه دولت آمریکا و شخصیت سست رؤسای جمهور جنگ‌طلب این کشور پرداخته است. این فیلم سال ۱۹۶۴ ساخته شده است.

